اَلتَّمرينُ السّابِعُ: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْمُناسِبَةَ لِلتَّوضيحِ.

معین کن کلمهٔ مناسب را برای توضیح.

١ـ يَسْتَعْمِلُهُ رُكّابُ[1] الطّائِراتِ وَ السَّيّاراتِ لِسَلامَتِهِم.

استفاده می‌کنند سرنشینان هواپیما و ماشین‌ها را برای سلامتی‌شان.

- حِزامُ الْأَمانِ ✓ کمربند ایمنی
- اَلْمَرمىٰ دروازه
- اَلْجَوز گردو

٢ـ مَنْ يَرْسُمُ بِالْقَلَمِ أَشكالاً، أَوْ صُوَراً، أَوْ خُطوطاً.

کسی که می‌کشد با قلم شکل‌هایی یا تصویرهایی یا خطوطی را.

- اَلرَّسْمُ نقاشی کردن
- اَلرَّسّامُ ✓ نقاش
- اَلرُّسومُ نقاشی‌ها

٣ـ حالَةٌ مَرَضِيَّةٌ تَرْتَفِعُ فيها حَرارَةُ الْجِسْمِ.

حالت بیماری است که با آن معمولاً دمای بدن بالا می‌رود.

- اَلْحَرْبُ جنگ
- اَلْحَفْلَةُ جشن
- اَلْحُمّىٰ ✓ تب

٤ـ مَنْ يَشْتَغِلُ في مِهْنَةٍ أَوْ صِناعَةٍ.

کسی که کار می‌کند در شغل یا صنعتی.

- اَلْعامِلُ ✓ کارگر
- اَلْمَعْمَلُ کارگاه
- اَلْعَميلُ مزدور

٥ـ اَلْيَدانِ وَ الْقَدَمانِ وَ الرَّأْسُ.

دو دست و دو پا و سر.

- اَلْأَعاجيبُ کارهای شگفت‌آور
- اَلْأَطْرافُ ✓ اندام
- اَلْجِذْعُ تنه

١ـ **رُكّاب:** سواران «مفرد: راكِب»